

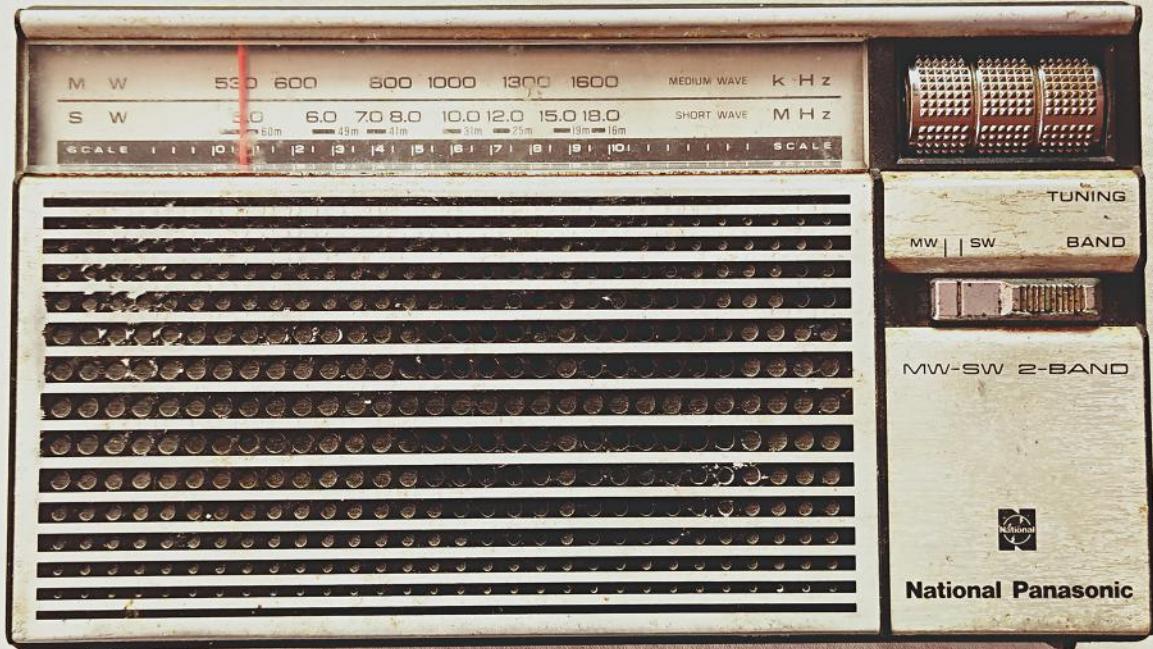


مادنامه اجتماعی، هنری / سال اول / شماره اول / مردادماه ۱۴۰۱

# ما چرا اینجا می‌یم؟

---

## درباره تاریخچه رادیو



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ماه‌نامه اجتماعی، هنری / سال اول / شماره اول / مردادماه ۱۴۰۱

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۱۹۶

صاحب امتیاز: سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی

### بخش مکتوب

مدیر مسئول: نیلوفر قآنی اکبرنژاد

سردبیر: مژده مقیسه

نویسنده: مهدی نعیمیان راد

صفحه آراء: علی طاهری زاده

### بخش صوتی

مدیر مسئول: المیرا طارقی

سردبیر: محمدامین پوراحمدی

مشاور فرهنگی: دکتر مریم صالحی‌نیا

شورای سیاست‌گذاری: کوثر صدری، نرگس معالی، کوثر فارسی،

یگانه موسوی، حانیه طوسي

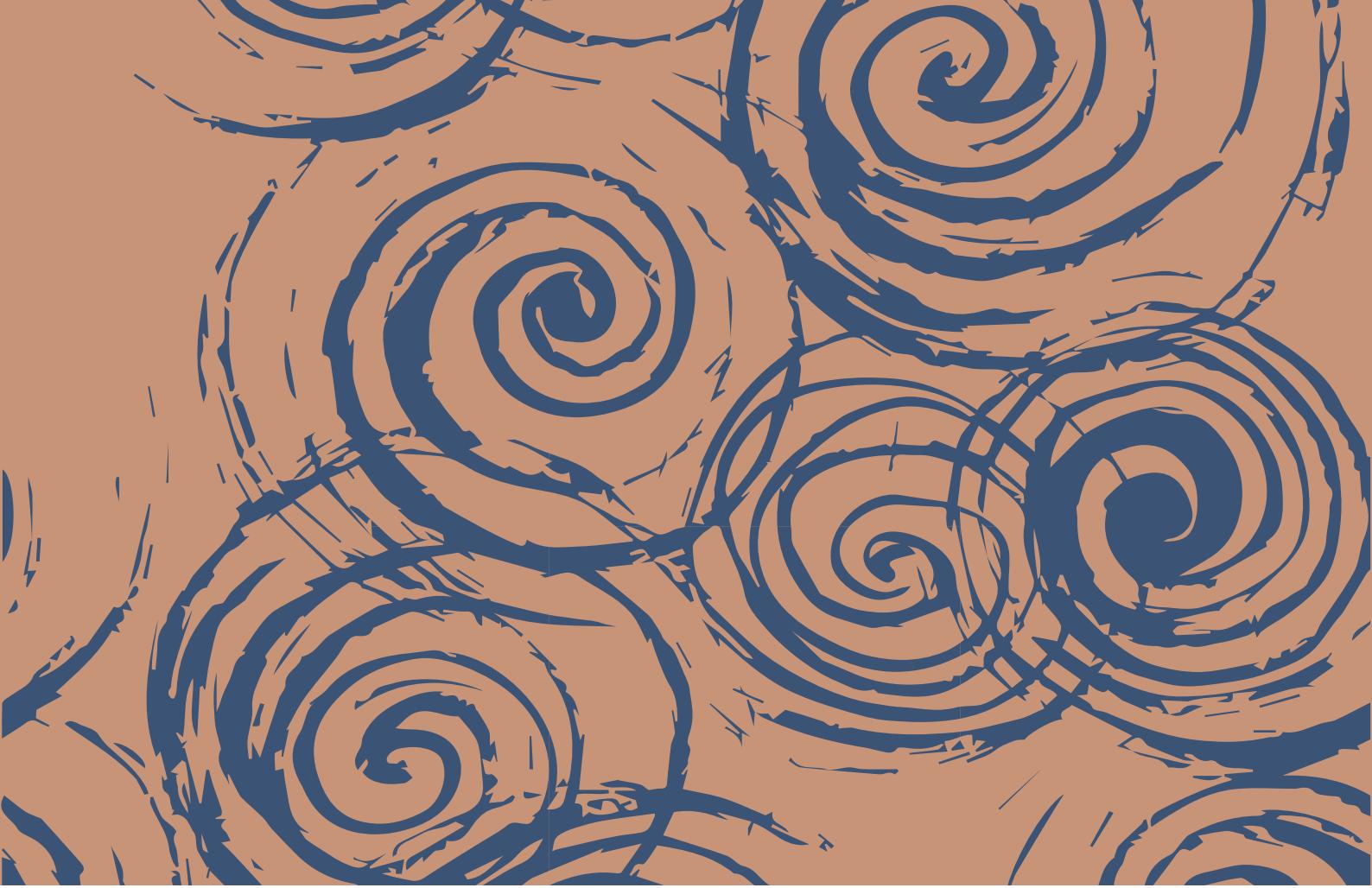
گویندگان: نیایش الله داد، محمد فضل الهی، محمدامین پوراحمدی،

یگانه فکور، مریم حضرتی

۵	آغاز داستان رادیو
۸	اینجا تهران است، صدای ایران
۱۱	صدا به مثابه ایزار
۱۳	رادیو، نوستالژی جمعی
۱۵	ما اینجا ییم



آف  
اپ



## پیش‌گفتار:

این نوشتار، نسخه‌ی مکتوب از اولین شماره نشریه‌ی صوتی رادیو آوان است که در ۶ دی ۱۳۹۹ منتشر شد. آنچه می‌خواهید در احوالات آن دوران نگاشته شده است.

## راههای دسترسی به نسخه صوتی:

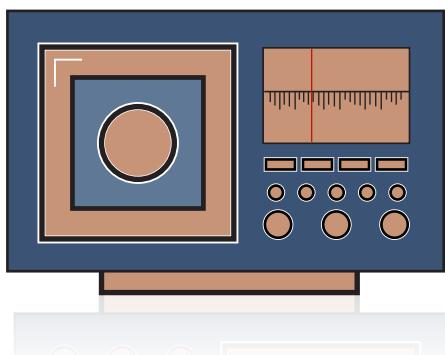
جست و جوی عبارت «رادیو آوان» در اپلیکیشن کست باکس

پیوستن به کanal تلگرام سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی به نشانی @sdjdm

# آغاز داستان رادیو

هنگامی که اولین صدای بشر در ۱۸۶۰ میلادی ضبط شد؛ کسی گمان نمی‌کرد طبیعه یکی از جذاب‌ترین خاطرات جمعی زندگانی انسان باشد. صدایی که ۱۷ سال قبل از اختراع فونوگراف یا گرامافون ادیسون توسط یک دانشمند فرانسوی به نام ادوارد لئون اسکات ضبط شده بود. اسکات موفق شده بود امواج صوتی متعلق به یک آواز فولکوریک فرانسوی را روی کاغذی که با دوده چراغ فانوس سیاه می‌شود، ضبط کند، اما امکان گوش دادن دوباره این امواج صوتی در آن زمان وجود نداشت.

اما در ۱۸۷۷ این توماس ادیسون بود که با اختراع فونوگراف توانست صدای بشر را با کیفیتی بیشتر ضبط کند و آن را از خود به یادگار بگذارد. تفاوت عمده کار ادیسون در این بود که او می‌توانست صدایی را که ضبط کرده پخش هم بکند و به این ترتیب ورق قلع ادیسون به عنوان اولین نوار یا حافظه صوتی قابل پخش در اختیار بشر قرار گرفت و خدمتی بی‌نظیر را به دنیا شنیدنی‌های ما رقم زد و زمینه را برای شروع



که به سیگنال‌های درخواست کمک تایتانیک پاسخ داده و بیش از ۷۰۰ مسافر را از غرق شدن نجات دادند، مسئولان دریایی اروپا و آمریکا، تمام کشتی‌های خود را ملزم کردند که یک اپراتور بی سیم داشته باشند که همواره گوش به زنگ پیام‌های دریافتی باشد.

قدم بعدی رشد رادیو همراه با تلفن بود؛ دکتر سوزان داگلاس تاریخدان رادیو می‌گوید: «تا اوایل قرن بیستم اپراتورهای تلفنی رادیو در همه جا بودند. آن‌ها از امور معمولی تا نتایج مسابقات فوتبال و اخبار سیاسی و اجتماعی را به صورت کدهای مورس ارسال می‌کردند». در واقع چیزی شبیه به اکانت‌های توییتر امروزی اما با رویکردی یک جانبه و غیرتعاملی و تا حدودی شاعرانه! تصور کنید که مقادیر نامشخصی از کدهای مورس را بدون آنکه مخاطب خاصی داشته باشید؛ بدون آنکه از وجود شنونده‌ای آگاه باشید؛ بدون آنکه قراری داشته باشید؛ بدون آنکه از هیچ چیزی مطمئن باشید صرفا در فضای می‌کنید؛ این کار، همان قدر جذاب و ماجراجویانه است که امروز تلاش کنیم با ارسال صدایی در بیکران فضا به امید شنونده‌ای غیرزمینی بنشینیم و امیدوار باشیم که پایستگی انرژی صحبت داشته باشد و روزی در دورdestی کسی صدای ما را بشنود!

از سال ۱۹۰۹ برنامه‌های رادیویی به شکل امروزی از سن خوزه در کالیفرنیا شروع شد و در سال ۱۹۲۰ به لطف به رسمیت شناختن همه‌جانبه توسط گیرنده‌های رادیویی، به ویژه در اروپا و ایالات متحده عمومیت پیدا کرد. در کنار برنامه رادیویی، برنامه‌های زنده، شامل پیغام‌های تلفنی و اعلام پخش برنامه‌ها، در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ همه گیر شد.

این گونه بود که رادیو روی نقشه جغرافیا به راه افتاد و مزهای خود را از دو سوی کره آبی

<b>A =</b>	<b>• -</b>	<b>N =</b>	<b>- •</b>
<b>B =</b>	<b>- • • •</b>	<b>O =</b>	<b>- - -</b>
<b>C =</b>	<b>- - • •</b>	<b>P =</b>	<b>• - - •</b>
<b>D =</b>	<b>- - • •</b>	<b>Q =</b>	<b>- - - •</b>
<b>E =</b>	<b>•</b>	<b>R =</b>	<b>• - - •</b>
<b>F =</b>	<b>• • - •</b>	<b>S =</b>	<b>• • •</b>
<b>G =</b>	<b>- - - •</b>	<b>T =</b>	<b>-</b>

کد مورس

به کار پدیده‌ای شگفت‌انگیز به نام رادیو، فراهم آورد.

شاید هیچ اختراعی در دوران معاصر این همه تحول به وجود نیاورده است، در حالی که در ابتدای امر به نظر نمی‌رسید دارای آینده چندان امیدوارکننده‌ای باشد. هنگامی که رادیو در اوخر قرن نوزدهم اختراع شد، تعداد بسیار کمی از دانشمندان تصور می‌کردند که مخابرات بی‌سیم قابلیت رقابت در جهان تحت تسلط تلگراف و تلفن را داشته باشد.

در سال ۱۸۹۳ یک مخترع فراموش شده و یک نابغه منزوی صربستانی الاصل به نام نیکولاوی تسلا یک سیگنال رادیویی را تا فاصله کوتاهی فرستاد. مدت کوتاهی پس از او، یک مخترع ایتالیایی به نام مارکونی به طور اتفاقی کشف کرد که آنتن‌های کاشته شده در زمین می‌توانند سیگنال‌ها را به جای چند صدمتر تا فاصلی بیش از یک مایل ارسال کند. او به طور ناخواسته از خاصیت انتشار زمین برای فرستادن سیگنال رادیویی نزدیک به سطح زمین استفاده کرده بود. مارکونی با اصلاحات بیشتری که در آزمایش‌های خود به عمل آورد، روش جدیدی را پیدا کرد که به وسیله آن کشتی‌ها می‌توانستند با استفاده از کد مورس با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

در سال ۱۸۹۶ مارکونی ۲۱ ساله به انگلستان رفت و کمپانی رادیویی British Marconi را تاسیس کرد. رویدادهای جهانی به سرعت ارزش کارهای مارکونی را به اثبات رساند. در سال ۱۹۰۵ قدم دوم رشد رادیو با مرگ همراه بود؛ آن هم یک کشتار وسیع و گسترده؛ در این سال نیروی دریایی ژاپن موفق شد یک ناوگان کامل روسی را در نبرد «تنه سوشیما» از بین برد. یکی از ژاپنی‌ها از مارکونی خریده بودند.

در سال ۱۹۱۲ قدم بعدی رشد رادیو با زندگی بخشی همراه بود؛ آن هم در دل یکی از دراماتیک‌ترین سوانح دریایی تاریخ؛ یعنی غرق شدن تایتانیک! درست همان لحظه که پره‌های غول‌آسای موتور تایتانیک در هوا به چرخش درآمدۀ بود و بعد از دو ساعت و چهل دقیقه از برخورد با کوه یخ می‌رفت تا یکی از باشکوه‌ترین آثار مهندسی انسان برای همیشه در قعر دریا مدفون شود؛ این سیگنال‌های رادیویی بودند که به کمک مسافران کشتی آمدند و به همین دلیل پس از آنکه کشتی‌هایی



اولین فونوگراف در قرن نوزدهم



ایستگاه رادیویی KWKH

به هم رساند؛ طوری که در ۱۹۴۰ میلادی کمتر کشوری در جهان بود که فعالیت رادیویی خود را جشن نگرفته باشد و کمتر شهری بود که روزانه حداقل یک ساعت از امواج رادیویی، خبر و موسیقی و سرگرمی را استخراج نکند.

آمریکا، کانادا، برزیل، آرژانتین، انگلستان، آلمان و فرانسه نخستین کشورهایی بودند که رادیو در آن‌ها شکل گرفت و مهمان خانه‌های مردم شد؛ تا در کافه‌ها و خانه‌ها و مغازه‌ها یکی از دلایلی باشد که مردم را چند دقیقه‌ای از روزمره خود خارج می‌کند و به مکالمه در مورد موضوعی خاص یا یک لذت مشترک از یک موسیقی یا چند لحظه خنده‌دن بابت یک روایت کمدی وارد می‌کند. در این دوره تاریخ شاهد اوج گرفتن تاسیس رادیوهای مختلف در کشورهای جهان هستیم برندهایی که امروز از پرآوازه‌ترین نام‌های این حوزه به شمار می‌روند در این دوره شروع به فعالیت کردند.

رادیوهای این دوره از شعارهای تبلیغاتی متفاوتی هم بهره می‌برند که در برخی موارد شکل‌دهنده نام آن‌ها هم بود. هدف از طراحی شعار برای ایستگاه‌های رادیویی، هویت‌بخشی به آن‌ها، ایجاد صمیمیت و ماندگاری در ذهن مخاطب است. بسیاری از این شعارها با استفاده از حروف اول کلمات تشکیل دهنده نام و عنوان ایستگاه رادیویی ساخته شده است مانند KWKH که از شعار «نگرانی را بکشید، سالم بمانید» (kill worry, keep health) ترکیب یافته است.

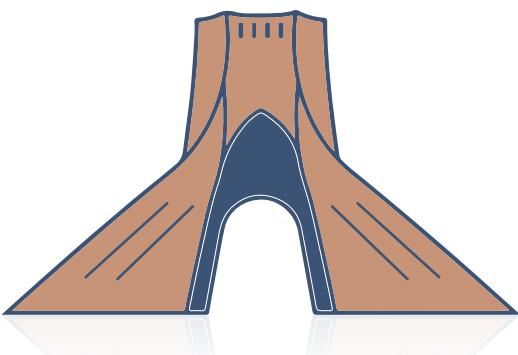
برخی از دیگر شعارهایی که در دهه‌های ۱۹۳۰ به کار می‌رفته است عبارت است از: صدای چمنزار، قبله توریست‌ها، جایی که آفتاب هر روز می‌درخشد، ایستگاه سرزمین مس، بزرگ‌ترین ایستگاه کوچک دنیا، جایی که هر روز دوستی را پخش می‌کند، صدای دوستی، شهر فرصت‌ها. ایستگاه‌های رادیویی در آن دوران به کمک این شعارها توانست در میان مردم به خوبی شناخته شوند و هویت خاصی پیدا کنند.

# اینجا تهران است صدای ایران

سال ۱۹۴۰ میلادی (همزمان با ۱۳۱۹ خورشیدی) همان سالی بود که رادیو مرزهای ایران را در نور دید و مقدمات تأسیس رادیو تهران فراهم شد. بعد از صدور فرمان تأسیس رادیو، قرار شد از دو فرستنده موج کوتاه ۲۰ کیلوواتی و متوسط ۲ کیلوواتی وزارت پست و تلگراف و تلفن، که برای ارسال تلگراف بی‌سیم توسط کارخانه آلمانی تلفونکن telefunken در بی‌سیم قصر، نصب شده بود استفاده شود.

بعد از فراهم شدن مقدمات، بالاخره رادیو در ساعت ده بامداد روز ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ در عمارت کلاه فرنگی، افتتاح شد و برای نخستین بار، عبارت معروف «اینجا تهران است؛ صدای ایران» با صدای قدسی رهبری، در کل کشور طنین انداز شد؛ صدایی که انگار هنوز پس از بیش از ۷۰ سال پژواک آن روزانه چندین مرتبه در گوش مخاطبان رادیو تکرار می‌شد.

مسئول تهیه و پخش اخبار رادیو، خبرگزاری پارس بوده که روزگاری آژانس پارس نام داشت. البته با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی دوم، پیشرفت‌های





تصرف اداره رادیو توسط کودتاچیان



عمرت کلاه فرنگی، ایستگاه رادیو تهران در سال ۱۳۱۹

تعداد مراکز رادیویی ایران به ۱۲ مرکز رسید. به مرور در دهه پنجاه خورشیدی رادیو جای خودش را در سبک زندگی ایرانی باز کرد و حالا هنرمندان و روشنفکرانی که نسل طلایی دهه ۳۰ و ۴۰ ایران را تشکیل می‌دهند، اندک اندک در فضای رادیو مجال دیده شدن پیدا می‌کردند. یکی از این صدای تازه صدای قاری جوانی بود که پس از چندی به پرآوازه‌ترین خواننده ایرانی تبدیل شد؛ نبغه‌ای که بعداً مالک بی‌چون و چرای سرزمین آوازه‌ای فارسی شد؛ این خواننده جوان با نام مستعار سیاووش بیدکانی کار خود را در همین دهه شروع کرد و چندی بعد تصمیم گرفت تا نام واقعی خود یعنی محمدرضا شجریان را علاوه بر قرائت قرآن در خوانندگی هم به کار ببرد.

آثار ماندگار شجریان در این دهه مخصوصاً از برنامه ماندگار گل‌ها میهمان خانه‌های مردم و به بخشی

رادیو در ایران همانند بسیاری از فعالیت‌های دیگر در کشور متوقف شد. چند سال تقریباً وضع به همین صورت باقی ماند.

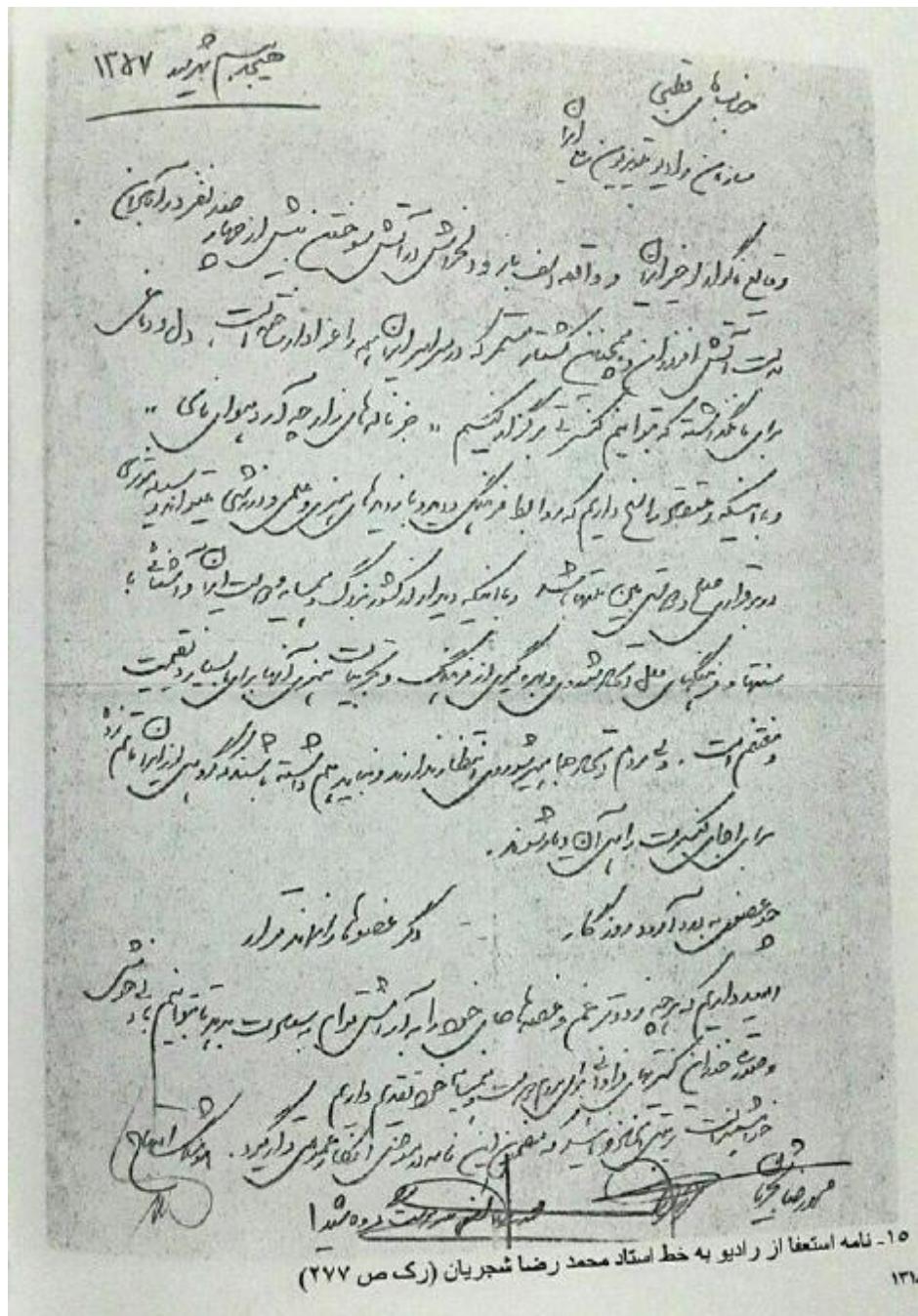
همچنین برای تعیین خط مشی و سیاست رادیو، شورای عالی انتشارات بر پا شد که بلند آواز گانی از جمله علامه محمد قزوینی، محمد علی فروغی (ذکاء الملک)، دکتر قاسم غنی، دکتر علی اکبر سیاسی (رئیس دانشگاه تهران) دکتر رضا زاده شفق، دکتر محمود افشار و استاد علینقی وزیری اعضای آن را تشکیل می‌دادند.

اما پس از پایان جنگ، به تدریج کار رشد و گسترش شبکه‌های رادیویی و ایجاد مراکز رادیویی در مرکز استان‌ها و برخی شهرستان‌های مهم کشور دنبال شد. ابتدا در سال ۱۳۲۶ مرکز رادیویی تبریز راه اندازی شد و سپس مراکز ارومیه، اهواز، شیراز، کرمانشاه، مشهد، کرمان، سندج، زاهدان، رشت و گرگان ایجاد شدند.

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اما قصه رادیو طور دیگری رقم خورد؛ در لحظات تعلیق یک کشور که جوانان، هنرمندان، اهل بازار، زنان آزاده و مردان دل‌بسته به نهضت ملی و موازنه منفی در فضای مبهم سرگردان بودند؛ همان لحظاتی که کامیون‌های نظامی با دو ردیف سرباز اسلحه به دست وسط خیابان‌ها رژه می‌رفتند؛ همان لحظه که روزنامه‌نگاران کیهان و اطلاعات و باخترا امروز با اضطراب به رادیوهای روشی که صدایی از آن بیرون نمی‌آمد نگاه می‌کردند تا فرمان مقاومت و صدای آشنا مصدق یا فاطمی را برای ایستادگی در برابر نظامی‌های کودتاچی بشنوند؛ ناگهان رادیو و صدای نخراشیده محمد میراشرافی کودتاچی سقف آرزوهای یک ملت را روی سرش خراب کرد؛ اگر کسی در تمام طول زندگی اش فقط یکبار این چنین نامید شدنی را چشیده باشد؛ می‌داند که این صدای رعب‌آور چه کرده است با روزگار ملتی که در سر هوای تنفس و کمر راست کردن داشت! و انسگار دستی در کار بوده تا این تعلیق منتج به فاجعه، هیچ رکنی را کم نداشته باشد؛ مثلاً همین صدای امیراشرافی را اگر از بین صدای تست صدا انتخاب کرده بودیم؛ باز هم نمی‌توانستیم چنین صدای نخراشیده و هولناکی را پیدا کنیم که اینچنین صفحه آرزوهای یک ملت را مچاله کند و به موزه دردها و رنج‌ها بفرستد!

در ۱۳۳۶ نام رادیو تهران به رادیو ایران تبدیل و بعداً در جنب رادیو ایران فرستنده دومی به نام رادیو تهران نیز مشغول به کار شد که در آغاز امر تنها موسیقی از آن پخش می‌شد. در سال ۱۳۴۰

از هویت فرهنگی ایران تبدیل شد. ماندگاری خاص و منحصر به فردی که پس از دهه‌ها هنوز هم ادامه دارد و هیچ چیز حتی مرگ جسمانی او نیز این فرآیند را مختل نکرده که پر فروغ‌تر از همیشه نیز کرده است. در این دهه محوریت رادیو بیش از پیش در جامعه ایرانی رخ نمایان می‌کرد و برخلاف مقاومت‌هایی که نهاد سنت در برابر جادوی مدرنیته انجام می‌داد، این فرکانس‌های حامل پیام و سرگرمی بودند که راه خود را درون کوچه‌های شهرها و روستاهای هر چه بیشتر باز می‌کردند و کم کم آثار ماندگاری در رادیو شکل می‌گرفت که تا سالیان دراز در ذهن و حافظه مردم ایران باقی ماندند و گرمابخش شب‌نشینی‌ها و میهمانی‌ها مردم بودند؛ یکی از این مجموعه‌های ماندگار سریال رادیویی «جانی دالر» به تهیه کنندگی و کارگردانی حیدر صارمی بود.



نامه‌ی استعفای استاد محمدرضا شجیران، هوشمنگ ابتهاج و محمدرضا لطفی از رادیو

# ا صدا به متابه ابزار

اواخر دهه پنجاه فضای شنیداری ایران کم کم آکنده از رادیوهای غیررسمی و نوارکاستهای ممنوعه‌ای شد که سخنرانی‌ها و بیانیه‌های گروههای سیاسی و در رأس آن‌ها سخنرانی‌های امام خمینی، علی شریعتی، استاد مطهری و آیت‌الله طالقانی را در پستوی خانه‌ها و به دور از چشم ساواک پخش می‌کردند؛ همچنین برخی فرستنده‌های کوچک محلی نیز برای فواصل کوتاه اقدام به پخش چنین محتواهایی می‌کردند که البته با برخورد شدید نیروهای امنیتی شاهنشاهی مواجه می‌شد. سایر مخالفان شاه نیز به عنوان مثال توده‌های وابسته به شوروی نیز سهم قابل توجهی از تولیدات زیرزمینی و مخفی علیه شاه را به خود اختصاص داده بودند.

در سالیان منتهی به انقلاب، کاستهای از اصلی‌ترین و حساسیت برانگیزتر سلاح‌های ایدئولوژیک انقلابیون تبدیل شده بود و گروههای مخالف سلطنت با انگیزه‌ها و گرایش‌های مختلف اقدام به تولید محتواهای اعتراضی و انقلابی می‌کردند. این آواها و نواها با نزدیک شدن به سال

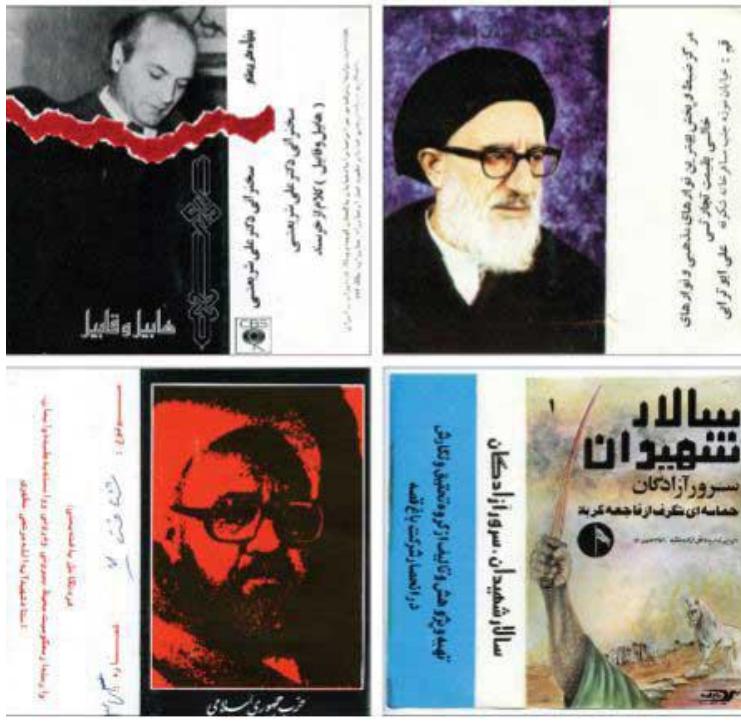


۵۷ و بالا گرفتن خشونت‌ها رنگ و بوی تندتر و پیکارجویانه‌تری به خود می‌گرفت. بخشی از شاگردان سابق شریعتی هم که در این ایام مشی مبارزه مسلحه و چریکی را انتخاب کرده بودند؛ در کنار ترور کسانی که آن‌ها را دشمن خود ارزیابی می‌کردند سهم زیادی در تولید محتوای صوتی و حتی رادیوهای غیررسمی داشتند. در این میان اما رادیوی رسمی کشور به دلیل سانسور شدید و اختناق دستگاه‌های امنیتی کم کم از مدار توجه مردم دور شده بود و با وجود اینکه بخش‌های سرگرمی و ورزشی و... همچنان رونق داشت و اخبار هم به شکل روزمره پخش می‌شد اما مردم برای کسب اطلاعات روزآمد و دقیق بیشتر به دنبال تریبون‌های غیررسمی و به ویژه برخی رادیوهای بیگانه بودند که اخبار را بدون ملاحظات رسمی حکومت شاه، منتشر می‌کردند؛ رادیو بی‌بی‌سی شاید مهمترین این رادیوها به شمار می‌رفت. ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، همانطور که ماندگارتیرین روز همه شئون و احوال ملت ایران بود؛ یکی از ماندگارتیرین روزهای رادیو را هم رقم زد؛ روزی که پیام پیروزی انقلاب؛ صدای انقلاب، را نیز تغییر داد؛ صدای انقلاب، بعد از ماه‌ها التهاب اینگونه از رادیوی ملی ایران خودنمایی کرد؛ «اینجا تهران است صدای راستین ملت ایران».

با پیروزی انقلاب، برنامه‌های رادیو هم رنگ متفاوتی به خود گرفت و در کنار شادی پیروزی، رادیو تا حدود زیادی در زمینه بازگشت نظم‌های از دسترفته به دلیل انتقال حاکمیت نقش ایفا کرده و موج اعتماد گسترده به این رسانه دوباره کشور را

فراگرفت و این شاید مهمترین سرمایه رادیو در ایران باشد. در ۱۳۵۹ که هنوز شیرینی پیروزی انقلاب به کام مردم رنج کشیده ایران ننشسته بود؛ ناگهان رادیو در ۳۱ شهریور ماه خبر تلخی را مخبره کرد؛ جنگ از مزهای غربی کشور شروع شده بود و باید برگی مهم از تاریخ این مرز و بوم نوشته می‌شد، برگی که به همت و غیرت مردم ایران وابسته بود. رادیو در این سالیان علاوه بر وظیفه روحیه‌دهی به ارتش و نیروهای مردمی که در مزهای ایران در حال مبارزه بودند؛ وظیفه تسکین زخم خورده‌گان جنگ و انتقال اخبار پیروزی‌ها و ظفرمندی‌ها یا اعلام خطر و نیاز به مقاومت را به عهده داشت. در میان این سال‌ها، خبرهایی از رادیوی ایران احلام شد که حافظه ملت ما هیچگاه آن‌ها را فراموش نخواهد کرد. در نشیب و فرازهای جنگ تحمیلی این رادیو بود که راوی اصلی آنچه گذشت شد و مردم نگران و دلواپس در سالیان دراز جنگ همواره پیچ رادیو را باز نگه می‌داشتند تا اخبار را بداده و فرمان‌ها و سیر تحولات را پی بگیرند؛ اما زندگی مثل همیشه در لابه‌لای این برنامه‌ها راه خود را باز می‌کرد و نمی‌گذاشت مردم فراموش کنند که اگرچه موریانه جنگ به گوش نشخه ایران افتاده است؛ ولی ما اینجا هستیم که زندگی کنیم نه اینکه فقط زنده بمانیم.

«صبح جمعه با شما» شاید مهمترین نماد این رویکرد در برنامه‌های رادیو باشد که از سال ۱۳۶۵ با تکیه بر تلاش‌های حیدر صارمی و برخی از اعضای تیم موفق «جانی دالر» شکل گرفت. این برنامه پس از سه دوره تحول با نامهای مختلف هنوز هم ادامه دارد و یکی از محبوب‌ترین‌های رادیو به شمار می‌رود که برنامه‌های شاد آن توансه افکار عمومی را به خود جلب کند زیرا مدیران رادیو به درستی فهمیدند که ارزش این برنامه‌ها تا چه میزان بالاست و باید از آن‌ها استفاده کرد.

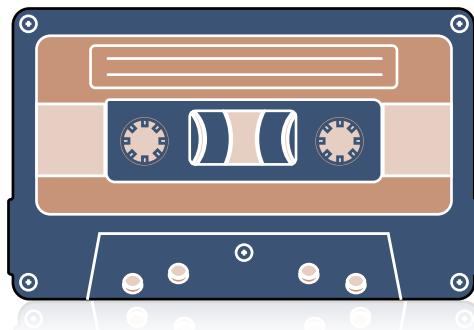


چند نمونه از کاسته‌های انقلابی

# رادیو نوستالژی جمعي

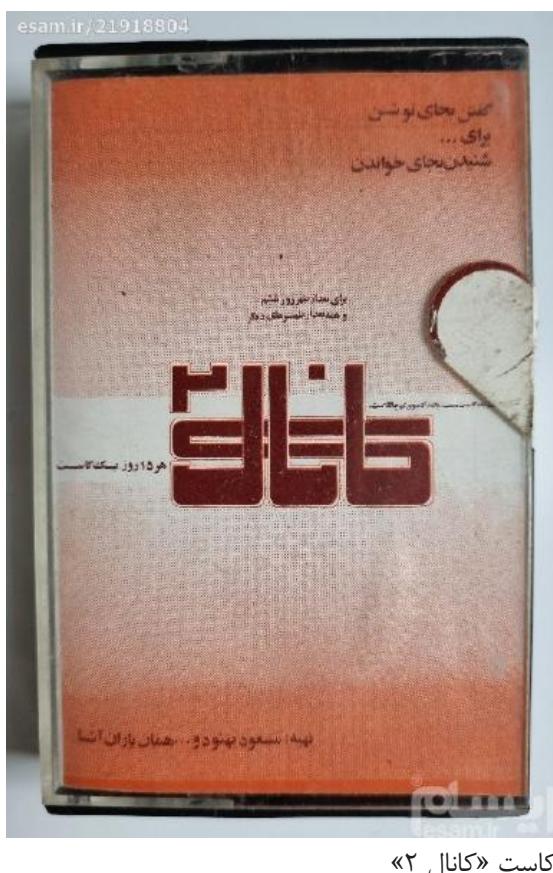
در سال ۱۳۶۹ برنامه ماندگار «شب بخیر کوچولو» در رادیو ایران تولید شد؛ برنامه‌ای که اگر چه در مقطعی از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ تعطیل شد اما مجدداً کار خود را از سر گرفت تا ترانه ماندگار شب بخیر کوچولو و صدای دلنشیں مريم نشیبا در سه دهه همچنان میهمان خانه‌های مردم باشد. در ادامه، توجه رادیو به برنامه‌های مردمی و جذب مخاطب هم افزایش یافت و تلاش شد تا توجه گسترده‌تری به مخاطبان رادیو شود که در این زمینه رادیوی تازه تاسیس جوان نقش به سزاگی داشت و برنامه‌هایی مثل: صدا آزاد، هفت ترانه و اینجا شب نیست؛ تا حدود زیادی موفق به جذب مخاطبان شد.

در دهه هشتاد با پررنگ‌تر شدن برنامه‌های تلویزیون و افزایش شبکه‌ها و همچنین ورود اینترنت، رادیو کمرنگ‌تر شد ولی هنوز برنامه‌های قدیمی می‌توانستند گروههای قابل توجهی از مردم را به خود جلب کنند اگرچه





نشان برنامه «رادیو چهرازی»



کاست «کanal ۲»

این میزان نفوذ قابل مقایسه با دهه‌های قبل نبود. رادیو آوا یکی از برنامه‌های جدید رادیو بود که توانست با پخش تخصصی موسیقی توجه مخاطبان را به خود جلب کند.

از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ نیز یک رادیوی تاثیرگذار دیگر این بار در ستر تلویزیون پا به میدان گذاشت که توانست مخاطبان زیادی را به خود جذب کند؛ «رادیو هفت» که یک برنامه تلویزیونی به تهیه کنندگی منصور ضابطیان بود اما از ساختار برنامه‌های رادیویی هم بهره می‌برد توانست حجم بالایی از مخاطب را با خود همراه کند؛ اما این برنامه هم درگیر ساختار مدیریتی پیچیده صدا و سیما شد و پس از چند نوبت تغییر شبکه و... سرانجام تعطیل شد.

در تمام روزهای رادیو همواره خط کمنگی در موازات رادیوهای رسمی حرکت می‌کرده است؛ خطی گاهی کمنگ شده، اما امتداد آن در طول زمان به ما نشان داده که همواره وجود داشته و تنها گاهی از پیش چشم ما محو شده است. رادیوهای غیررسمی یا همان مجلات صوتی در طی سالیان متعدد همواره در کنار رادیوهای رسمی جریان داشته‌اند؛ چه آن زمان که به طور غیرقانونی از فرستنده‌های محلی پخش می‌شدند؛ چه آن زمان که بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها را به دور دست‌ها می‌رسانند و چه زمانی که به صورت تولیدات غیر رسمی از طریق اینترنت پخش می‌شدند و چه حالا که در شبکه‌های مجازی اختصاصی خود مخاطبانی زیادی را به خود جذب کرده‌اند.

اولین رادیوی غیر رسمی بعد از انقلاب «کanal ۲» نام داشت و توسط مسعود بهنود و یاران آشنایش در ۱۳۵۸ منتشر و روانه بازار شد؛ روی گوشه جلد این کاست نوشته شده بود؛ این یک کاست نیست؛ این یک رادیوی کوچک است! و به این شکل رادیوهای غیر رسمی در ایران رواج گرفتند.

دهه ۹۰ بستر زمانی اصلی تکثیر رادیوهای غیر رسمی بود؛ رادیوهایی که با مانور دادن روی محدودیت‌های رسانه‌های رسمی به سمت تولیداتی رفتند که می‌توانست توجه مخاطبان را به خود جلب کند و از همین جهت بود که نامهایی مثل رادیو چهرازی رادیو دیو، رادیو روغن حبه انگور و... در فضای مجازی همه گیر شدند و جای خود را در میان مخاطبان باز کردند.

# ما اینجاییم

این پیج تاریخی واقعی و این حقیقت تغییر ناپذیر که زندگی ما مرحله‌ای جدی از تحول را پشت سر گذاشته است؛ در اولین لحظات، انسان را به این فکر می‌برد که پس ما چه باید بکنیم و آینده ما در این جهان تغییر یافته چگونه خواهد بود؟ آیا ما تنها تر خواهیم شد؟ آیا ما منزوی‌تر به زندگی ادامه خواهیم داد؟

این شاید اولین جرقه‌ای بود که ما را به سمت ایجاد بستری برای حرف زدن و شنیدن یکدیگر حرکت داد چون همه ما که دانشجوییم و دلمان جمع‌ها و رفاقت‌هایمان، لحظه‌های خوبیمان، خنده‌هایمان و تکرار خاطرات مشترکمان را می‌خواهد. امروز که دانشگاه تعطیل است و ما به ناچار از هم دور افتاده‌ایم باید راهی داشته باشیم که با هم حرف بزنیم باید راهی پیدا کنیم و ادامه بدھیم.

روزهای طولانی، پشت میزهای خالی دانشگاه، زیر درخت‌های تابستانی و پاییزی پر دیس در جمع‌های شلوغ و خلوت، دور هم نشستیم و ساعتها حرف زدیم و تصمیم‌های زیادی گرفتیم و برنامه‌های زیادی چیدیم تا به اینجا رسیدیم؛ به همین کلمات و این لحظات.

در این چند دقیقه از رادیو گفتیم و از آغاز؛ هر رادیو قصه‌ای دارد و هر قصه آغازی؛ این آغاز قصه رادیویی ماست رادیوی دانشجویان؛ اینجا سازمان دانشجویان است؛ رادیو آوان، قسمت صفر.

قدم بعدی در رشد رادیوهای غیررسمی در ایران اما از یک سوپ حال به هم زن در یک رستوران درجه چندم در یکی از کوچه‌های باریک ووهان چین آغاز شد؛ شاید بتوان نام یا حداقل نماد این عصر جدید رادیوهای غیررسمی را «خفاش» گذاشت! اینجا بود که بسیاری از ما که در تنها یه‌ها و فشارهای روزانه به قول دکتر سایکولایو<sup>۱</sup> به یک حلقه حمایتی دوستانه احتیاج داشتیم اما حالا به خاطر کرونا از هم دور بودیم؛ تلاش کردیم تا به شکل دیگری با دوستانمان سخن بگوییم.

۱- سایکولایو، یکی از برنامه‌های سازمان دانشجویان با محوریت آسیب‌های روانی و خودشناسی است.



